

گزارش

افزایش انتقادهای اصولگرایان از وضع موجود
نشان دهنده ایجاد شکاف میان بزرگان جناح راست است

آغاز اختلافات درون جناحی؟

● شرق: انتقادها به نحوه اداره کشور در دولت اصولگرای رئیسی با فروکش‌کردن تب تند انتخابات ریاست‌جمهوری که با سکوت اصولگرایان در برابر تغییرات مدیران و مسئولان همراه بود، این روزها افزایش یافته است. مدتی است صدای ناهماهنگی شیده می‌شود؛ فقط نکته مهم آنجاست که معلوم نیست مخاطب این نقدها کیست! رئیس مجلس هفته گذشته در نقد شرایط ناسامان این روزهای کشور گفته است: «باورهای غلط و مدیران ناکارآمد دو مشکل اساسی ما در کشورداری است. مشکل پول و نبود امکانات نیست. برای این اصول باید وقت و انرژی بگذاریم». انتقاد از مدیران آن‌هم زمانی که کل سیستم مدیریتی و حاکمیتی در دست اصولگرایان است، این سؤال را مطرح کرده که آیا همچنان از روی عادت مدیران دولت قبل مدنظر بوده یا ضعف مدیریتی اصولگرایان قرار نیست همراه با مسئولیت‌پذیری نقد شود؟! برای نمونه، به گزارش ایسنا، سخنان اخیر قالیباف در حالی مطرح می‌شود که در این ۱۶ ماه ریاستش بر پارلمان هم بارها و بارها با چنین سخنانی به انتقاد از وضع کشور پرداخته است. در دوران دولت روحانی، شاید به نظر می‌رسید انتقادهای قالیباف به نوع مدیریت دولت دوازدهم بازمی‌گردد، اما درحالی‌که بیش از دو ماه از روی‌کارآمدن دولت سیزدهم به ریاست سیدابراهیم رئیسی می‌گذرد که اتفاقا دولت نزدیک به جناح سیاسی قالیباف هم هست، انتقادات رئیس مجلس همچنان ادامه دارد؛ برای مثال رئیس مجلس شورای اسلامی روز ۲۴ شهریور هم در نشست افتتاح مرکز نوآوری و خانه خلاق قوه مقننه با بیان اینکه عادت‌ها مانع از تحول در ساختار اداره کشور می‌شود، گفت: امروز تورم قانون بیشتر از تورم اقتصادی است. این مواضع و اظهارات قالیباف پرسش‌هایی را ایجاد می‌کند ازجمله اینکه آیا رئیس مجلس به‌عنوان رئیس قوه مقننه کشور خودش نباید به موضوعاتی مثل «تورم قانون» رسیدگی کند؟ درحالی‌که بهارستان سرگرم سخنرانی‌های آتش‌بین علیه روحانی و طرفپان است و همه هم و غم مجلس محاکمه دولت قبل است، آیا فرصت کافی برای قانون‌نویسی صحیح جدی گرفته شده است؟ درحالی‌که مردم در غم نان در دوران سخت کرونایی به فضای مجازی و کاروکسب آنلاین پناه برداند، آیا تلاش مجلس برای مسدودسازی اینترنت پاسخی منطقی به نیاز امروز کشور است؟! مجلسی که از دیدگاه خود اصولگرایان تاکنون دستاوردی نداشته، سکان هدایتش در دست مدیران و وزرای سابق اصولگرایان است و نتوانسته پاسخ‌گوی نفع‌های موجود باشد. چندی پیش محمد یازدهم تاکید کرد که قرب به یک‌سال‌وونیم از عمر مجلس یازدهم می‌گذرد و برخلاف دولت‌های نامیدگان پیش از انتخابات مجلس شعار می‌دادند، هیچ اتفاق مثبتی در جهت رفع دغدغه‌های مردم از سوی آنها انجام نشده است. آنها تازه در زمان دولت روحانی می‌گفتند اگر رای بیاورند می‌تواند با ریل‌گذاری درست، دولت روحانی را در مسیر درستی قرار دهند که نه‌تنها چنین نشد، بلکه شاهد بودیم هم‌زمانی مجلس یازدهم و دولت دوازدهم صرفا به مناقشه مجلس با دولت وقت گذشت. حالا هم که دولت سیدابراهیم رئیسی روی کار آمده است، باز هم اقدام ویژه‌ای از سوی نمایندگان برای بهبود شرایط دیده نمی‌شود. همه اینها در حالی است که به‌تازگی روزنامه جمهوری اسلامی نوشته است که در نظرسنجی‌هایی از مردم ۲۲ استان درخصوص عملکرد نمایندگان مجلس، نزدیک به ۶۰ درصد مردم از عملکرد نمایندگان استان خود ناراضی بودند و عملکردشان را قابل قبول نمی‌دانستند و در برخی استان‌ها نارضایتی به ۸۰ درصد می‌رسد. آنچه مسلم است، این است که در چند ماه اخیر شرایط سخت اقتصادی تشدید شده و خبری نه از آغاز مذاکرات وین است، نه گفتایشی در FATF رخ داده و نه اقدامی عملی برای لغو تحریم انجام شده؛ بنابراین موج ناامیدی از بهبود اوضاع شدیدتر از دوران روحانی گسترش یافته است. در نتیجه یکی از کلیدی‌ترین سؤال‌ها این است که مخاطب این موج نقد از وضعیت موجود دقیقا با کدامیک از مسئولان کشور است و مسئولان منتقد چرا خود را انجام نمی‌دهند! اگر مخاطب همچنان دولت قبل است که دیگر خریداری ندارد و پروژه محاکمه روحانی و دولت دوازدهم به نتیجه نرسیده و اگر مخاطب مدیران فعلی است که یک‌دهه اصولگرا هستند و دوست گرمابه و گلستان یکدیگر، بنابراین این‌گونه برداشت می‌شود که با وجود آنچه پیش‌بینی می‌شد،تشدید قدرت بر معنای نبود اختلاف نخواهد بود. ادامه این انتقادها در دولت اصولگرای رئیسی نشان از ایجاد شکاف میان بزرگان جناح راست دارد که شاید رئیس مجلس هم در تلاش است به انحای مختلف آن را مطرح کند. در روزهای پیش‌رو ممکن است این انتقادهای پینگ‌پنگی شدت بگیرد و به جای پندیرش مسئولیت در تصمیم‌های اشتباه، همچنان شاهد فرافکنی سیاسی درون جناحی باشیم یا شاید با پادرمیانی بزرگان اصولگرا مدتی این نقدها فروکش کند، اما مسئله مهم حل‌نشدن مشکلات کشور است که مردم منتظر حل‌شدن و ایجاد گشایشی قابل لمس در اقتصاد خانواده خود هستند که تا این بحران‌ها حل نشودن افکار عمومی تقصیر را از چشم اصولگرایان می‌بیند نه دولت‌مردان قبلی.

مهرشاد ایمانی: علی مطهری به‌تازگی در گفت‌وگویی حسن روحانی را با اکبر هاشمی‌رفسنجانی مقایسه کرده و گفته است اگر روحانی صراحت و شجاعت بیشتری داشته باشد، می‌تواند در عالم سیاست همان نقشی را ایفا کند که اکبر هاشمی‌رفسنجانی بازی می‌کرد. او در گفت‌وگو با پایگاه خبری- تحلیلی «نامه‌نیوز» بیان کرده است: «تفکر سیاسی و اجتماعی آقای حسن روحانی به آقای هاشمی نزدیک‌تر است و اگر او بتواند همان نقش آقای هاشمی را ایفا کند، خیلی موفق خواهد بود و این مسئله به نفع کشور و انقلاب می‌شود. البته برای آنکه آقای حسن روحانی نقش آقای هاشمی را ایفا کند، به شجاعت بیشتری نیاز دارد؛ یعنی آنچه که نیاز است، وارد شود و اظهارنظر کند. روشی که آقای روحانی در دوره ریاست‌جمهوری‌اش داشت روش محافظه‌کاری بود... اگر آقای روحانی در اتخاذ مواضع و بیان دیدگاه‌هایش صراحت و شجاعت بیشتری داشته باشد، آن‌وقت می‌تواند به نقش آقای هاشمی نزدیک شود». شاید تنها دلیل نزدیک‌بودن فکری روحانی به هاشمی به سابقه طولانی همکاری آن دو مربوط باشد؛ چه در دهه ۶۰ و در ماجرای مذاکرات مک‌فارلین و چه بعد از آن در دهه ۷۰ در مجمع تشخیص مصلحت نظام. روحانی در سال‌های فعالیتش در مجمع تشخیص به ریاست هاشمی‌رفسنجانی در مرکز تحقیقات استراتژیک این نهاد عملا نقش بازوی فکری هاشمی را ایفا می‌کرد، اما آیا با درنظرداشتن همه اینها می‌توان روحانی را به‌مثابه هاشمی دوم دانست؟ این پرسشی است که پاسخش می‌تواند بسیاری از خط و ربط‌های آینده سیاسی، خاصه در حوزه جناح‌بندی‌های سیاسی را مشخص کند؛ اینکه اگر روحانی را ادامه‌دهنده مسیر هاشمی در نظر بگیریم، آیا او می‌تواند نقش مرضی‌الطرفین جبهه اصلاحات و اصولگرایان میانه‌رو را ایفا کند؟ همان کارکردی که اکبر هاشمی‌رفسنجانی در دهه ۹۰ ایفا کرد. یا او می‌تواند نقش تعیین راهبردها و کنش‌ها در جبهه اصلاحات را بر عهده بگیرد؟ کاری که هاشمی در انتخابات سال۹۲ انجام داد و پس از ردصلاحیتش اصلاح‌طلبان را قانع کرد که از عارف اصلاح‌طلب گذر کنند و به حسن روحانی اصلوگرا تن دهند. بنابراین پاسخ به این پرسش را که «آیا روحانی، هاشمی می‌شود»، باید پس از بررسی مختصات فردی و سیاسی این دو شخصیت سیاسی ارائه داد.

پیرپراه نیست اگر بگویم اکبر نام هاشمی‌رفسنجانی با نام انقلاب اسلامی در همه ابعاد گرّه خورده است؛ چه پیش از انقلاب و در جریان مبارزات انقلابی و چه پس از انقلاب که بسیاری از تحولات اساسی با تصمیم‌سازی‌های شخص هاشمی بوده است؛ بنابراین شاید بتوان گفت در تاریخ انقلاب شخصیت‌های هم‌رو هاشمی انگشت‌شمار باشند. نقش مستمر هاشمی در تمام تصمیم‌سازی‌های مهم پس از انقلاب برای او سرمایه سیاسی مهمی به وجود آورده بود؛ به نحوی که او از نفوذ بالایی در تمام ارکان حاکمیتی برخوردار بود؛ از نیروهای سیاسی گرفته تا نیروهای نظامی و اقتصادی.

او در دوران جنگ، فرمانده جنگ بود و بعد از آن در دو

دولتش با شعار توسعه اقتصادی توانست خطومشی اقتصادی ایران پساجنگ را معرفی کند. هاشمی در شیوه حکمرانی اقتصادی‌اش کاملا رویکرد مشخص داشت و او را می‌توان از مدافعان بازار آزاد دانست. فارغ از تمام قضاوت‌های مثبت و منفی درباره دو دولت هاشمی و هاشمی‌رفسنجانی در مرکز تحقیقات استراتژیک این نهاد افصول توسعه سیاسی می‌دانند، به هر روی شخص هاشمی در دولتش نشان داد که گفتمان اقتصادی مشخصی دارد.

علاوه بر اینها، می‌بینیم که هاشمی در حوزه سیاست خارجی نیز در کنار نهادهای بالادستی، خود نیز تعیین‌کننده بود و این‌طور نبود که برای مثال برقراری ارتباط سازنده با عربستان در دولت او حاصل تصمیم‌گیری‌های خارج از دولت باشد یا نقش او در مذاکرات مک‌فارلین در دهه ۶۰ بر هیچ‌کس پوشیده نیست.

هاشمی همچنین قدرت جایگزین‌سازی در سیاست را داشت؛ به این معنا که در هر بزنگاهی می‌توانست راهکاری دیگر ارائه دهد که مهم‌ترین و البته متاخرترین آن را در انتخابات سال ۹۲ شاهد بودیم؛ به نحوی که پس از ردصلاحیت‌نشانی در دهه ۹۰ ایفا کرد. یا او می‌تواند نقش تعیین راهبردها و کنش‌ها در جبهه اصلاحات را بر عهده بگیرد؟ کاری که هاشمی در انتخابات سال۹۲ انجام داد و پس از ردصلاحیتش اصلاح‌طلبان را قانع کرد که از عارف اصلاح‌طلب گذر کنند و به حسن روحانی تصمیم‌سازی‌های شخص هاشمی بوده است؛ بنابراین شاید بتوان گفت در تاریخ انقلاب شخصیت‌های هم‌رو هاشمی انگشت‌شمار باشند. نقش مستمر هاشمی در تمام تصمیم‌سازی‌های مهم پس از انقلاب برای او سرمایه سیاسی مهمی به وجود آورده بود؛ به نحوی که او از نفوذ بالایی در تمام ارکان حاکمیتی برخوردار بود؛ از نیروهای سیاسی گرفته تا نیروهای نظامی و اقتصادی.

او در دوران جنگ، فرمانده جنگ بود و بعد از آن در دو

سیاست

چرا روحانی، هاشمی نمی‌شود؟

علی مطهری اخیرا گفته است روحانی می‌تواند به نقش هاشمی نزدیک شود



برایش اولویت بالایی نداشت، به چهره‌ای تبدیل کرد که دغدغه‌اش دموکراسی، آزادی بیان، انتخابات و حکمرانی اقتصادی‌اش حق مردم بر حاکم است. در واقع هاشمی چه بر اساس ترفند سیاسی و چه بر مبنای واقعیت فکری‌اش، به‌هرحال از مقطعی به بعد توجه ویژه‌ای به مردم داشت و چنان توانست نقش تازه خود را خوب ایفا کند که مردم نیز به او اقبال بسیاری نشان دادند و در سال ۹۲ حرف هاشمی در میان مردم در کنار حرف خاتمی نشست؛ دو شخصیتی که روزگاری دو قطب سیاسی متفاوت شناخته می‌شدند. هاشمی با چهره متفاوت خود که از اواخر دهه ۷۰ و جدایی نسبی او از اصولگرایان ستی کلید خورد، علاوه بر به‌دست‌آوردن اقبال عمومی، توانست وجهه‌ای فرآنجایی به دست آورد، به نحوی که می‌بینیم هاشمی افزون بر آنکه مورد حمایت اصلاح‌طلبان است، از حمایت اصولگرایان ستی نیز بهره‌مند است؛ حتی او در سال ۸۸ و هنگامی که حوادث پس از انتخابات هنوز در جریان بود، توانست رای اکثریت نمایندگان خبرگان را به دست آورد و بر کرسی ریاست بنشیند؛ موضوعی که دستکم در آن سال و در میانه آن رخدادها محال به نظر می‌رسید اما هاشمی از پیش برآمد.

حالا می‌رسیم به حسن روحانی. هیچ‌گاه چهره‌ای تأثیرگذار از حسن روحانی به‌عنوان یک نیروی تعیین‌کننده به یاد نداریم. او هیچ‌گاه نتوانست مانند هاشمی راس باشد و روحانی را نمی‌توان یک چهره تصمیم‌ساز دانست. از طرفی روحانی همواره چهره‌ای امنیتی داشته است و به معنای دقیق نه می‌توان او را یک فعال و کنشگر سیاسی دانست و نه فردی که گفتمان ویژه‌ای در عالم سیاست و اقتصاد داشته باشد. حتی به یاد داریم او به‌عنوان یکی از گزینه‌های وزارت اطلاعات دولت هاشمی مطرح بود که البته در نهایت هاشمی، فلاحیان را برگزید. در حوزه اقتصادی هم گرچه او به واسطه نزدیکی به هاشمی‌رفسنجانی نزدیک به رویکردهای اقتصادی راست‌گرایان است، اما افزون بر این، هیچ

گفتمان ویژه‌ای در آرای روحانی دیده نمی‌شود. پس روحانی برخلاف هاشمی، در هیچ مقطعی و در هیچ زمینه‌ای گفتمان‌ساز نبود. در حوزه سیاست خارجی هم روحانی مجری سیاست‌ها بوده است؛ چه در دوران دبیری او بر شورای امنیت ملی و مسئولیتش در مذاکرات هسته‌ای و چه در دولتش؛ چنان‌که اخیرا مقام معظم رهبری هم گفتند که در سیاست خارجی تصمیم‌گیرنده وزارت خارجه نیست؛ «در شورای عالی امنیت ملی که همه مسئولین در آنجا حضور دارند، تصمیم‌گیری می‌شود و وزارت خارجه با شیوه‌های خودش بایستی آنها را عملی کند و پیش ببرد».

روحانی قدرت چانه‌زنی بالایی در ارکان نظام هم نداشته و ندارد و کسی نمی‌تواند مدعی نفوذ کلام او در نهادهای مختلف کشوری و لشکری شود. روحانی هیچ‌وقت چهره‌ای فرآنجایی نیز پیدا نکرد؛ زیرا اولاً او اساسا تا پیش از ریاست‌جمهوری‌اش چهره‌ای سیاسی نداشت و بیشتر امنیتی بود و ثانیاً همان چهره سیاسی‌اش هم به راست‌گرایان ستنی و مشخصا جامعه روحانیت مبارز نزدیک بود و نه بیش از آن و اگر اصرار هاشمی در سال ۹۲ نبود، حتما اصلاح‌طلبان، روحانی اصلوگرا را به عارف اصلاح‌طلب ترجیح نمی‌دادند؛ چنان‌که گفته می‌شود هاشمی می‌گفت اگر همه اصلاح‌طلبان از روحانی حمایت نکنند، با شما یعنی اصلاح‌طلبان همراه نخواهم شد و خاتمی هم برای جلوگیری از عدم تکرار آنچه در انتخابات سال ۸۴ رخ داد، برای جلوگیری از هرگونه تفرقه و البته پیروزی در انتخابات و جلوگیری از ادامه کار تدررها در دولت، نظر هاشمی را پذیرفت. در دوران دولت یازدهم و دوازدهم هم روحانی چندان میلی به استفاده از اصلاح‌طلبان نداشت و بعد از پیروزی در انتخابات ۹۶ هم سعی کرد از اصلاح‌طلبان فاصله بگیرد. او جدای از هاشمی و اصلاح‌طلبان، سرمایه اجتماعی ویژه‌ای نداشت؛ چنان‌که چنان‌که خود هاشمی در سال ۹۴ گفته بود: «افراد شناخته‌شده‌ای که ردصلاحیت شدند، باید افرادی را که نامدار نیستند، به جامعه معرفی کنند تا در انتخابات پیروز شوند، همان‌طور که بنده بعد از رد صلاحیت‌م در انتخابات ریاست‌جمهوری از آقای روحانی حمایت کردم و طرف یک هفته آقای دکتر روحانی که دارای سه درصد رای بیشتر نبود، به بالای ۵۰ درصد رای رسید».

با دانستن این شرایط حتما حسن روحانی نمی‌تواند در آینده سیاسی‌اش نقشی مشابه هاشمی را ایفا کند که پیوندهنده جناح‌ها و طیف‌های سیاسی باشد، در تعامل و چانه‌زنی با نهادهای مختلف به خواسته خود نزدیک شود و با استفاده از سرمایه اجتماعی‌اش خط و ربط‌های سیاسی را متحول کند. علاوه بر همه اینها، اساسا بخش‌های مهمی از اصلاح‌طلبان نه‌تنها او را نیرویی وحدت‌بخش برای خود نمی‌دانند، بلکه باور دارند سیاست‌های دولت روحانی باعث ریزش شدید سرمایه اجتماعی اصلاحات شد. پس با همه اینها شاید بتوان گفت روحانی با هیچ متر و معیاری هاشمی نخواهد شد.

روزنه

برگزاری مراسم ترحیم همسر امام موسی صدر در تهران

● شرق: مراسم ترحیم همسر امام موسی‌صدر در تهران روز گذشته برگزار شد. به گزارش جماران بر اساس اطلاعاتیه خانواده صدر و خانواده خلیلی و مجموعه مؤسسات امام موسی صدر و با توجه به پیام‌های فراوان هم‌وطنان ایرانی برای تسلیت و مشارکت در مجلس ترحیم و یادبود آن بانوی باوقار، مراسم یادبودی ترتیب داده شد. این مراسم در فضای باز دانشکده تربیت بدنی دانشگاه تهران برگزار و به صورت زنده از صفحه اینستاگرام مؤسسه امام موسی صدر پخش شد.

رئیس قوه قضائیه:

دنبال کوتاه‌کردن فرایندهای فسادزا با همکاری دولت و مجلس هستیم

● مرکز رسانه قوه قضائیه: رئیس قوه قضائیه در نشست کارشناسی بررسی مشکلات مربوط به ماهه ۴۷۷ برورد تخصصی و فنی برای ریشه‌یابی چالش‌های موجود در نظام قضانی کشور تاکید کرد و متذکر شد: قوانین و فرایندهای پیچیده درون و بیرون قوه قضائیه که برای مردم دردسرساز بوده و موجب فساد و کندی کار شده‌اند، باید اصلاح شوند. من شخصا قائل بودم و دنبال این هستم که بعضی از فرایندهای پیچیده و فسادزا را با همکاری دولت و مجلس کوتاه کنیم تا با شفاف‌تر، جایک‌تر و کارآمدترشدن ساختارها مشکلات مردم کاهش یابد.
حجت‌الاسلام محسنی‌اژه‌ای برای نمونه به پیچیدگی‌های قانون مالیات و فرایند صدور مجوزها اشاره کرد و گفت فرایندهای طولانی و لایه‌لایه در این حوزه‌ها علاوه بر ایجاد مشکلاتی را برای مردم به وجود آورده، قطعا فسادزا هم هست.
رئیس قوه قضائیه با ماده ۴۷۷ به‌عنوان یکی از فرایندهای پیچیده قضانی یاد کرد و با تاکید بر لزوم تسهیل این روند، به تشریح مسیری که برای اصلاح این فرایند طی شده پرداخت و عنوان کرد: در یک دوره شعب تخصصی برای رسیدگی به درخواست اعاده دادرسی ایجاد شد که بعدها مشخص شد کارآمدی لازم را نداشته‌اند. او افزود: در مقطعی دیگر بحث ماده ۱۸ مطرح شد که تصریح داشت اگر حکمی خلاف تبیین شرع و قانون بود، دوباره باید مورد بررسی قرار گیرد، اما بعدا این سؤال پیش آمد که مرجع تشخیص شرع بودن رای کی و کجاست؟ در آن مقطع به این فرض که احکام خلاف شرع تبیین باید نادر باشد، گفته شد تشخیص این امر با شخص رئیس قوه قضائیه است، اما وقتی تقاضا برای اعاده دادرسی زیاده شود، قطعا رئیس قوه قضائیه نمی‌تواند خودش همه پرونده‌ها را بخواند.
رئیس قوه قضائیه عنوان کرد: در این شرایط رئیس دستگاه قضا مجبور است پرونده‌خوانی و تشخیص خلاف شرع بودن حکم را اگر جزء موضوعات غیرقابل تفویض نباشند، به قضات معتمد و با تجربه واگذار کند و خودش نهایتا بدون مطالعه پرونده، نظر آنها را امضا کند. محسنی‌اژه‌ای افزود: در یک دوره رئیس وقت قوه قضائیه همین کار را انجام داد، اما با توجه به حساسیت تشخیص موضوع و لزوم انجام این کار توسط افراد دارای فهم دقیق و قدرت استنباط که بعضا باید درباره نظر کارشناسی خود به رئیس قوه توضیح هم بدهند، باعث اطاله رسیدگی بلندمدت می‌شد.
رئیس قوه قضائیه با بیان اینکه طولانی‌شدن فرایند اعمال ماده ۴۷۷ موجب بروز نارضایتی مردم می‌شود، به طرح این سؤال پرداخت که چرا اساسا یک قاضی باید حکمی صادر کند که خلاف تبیین شرع باشد و چرا در برخی موارد، این مسئله تکرار هم می‌شود؟ اگر قاضی حکم خلاف بین شرع صادر می‌کند باید مورد سؤال قرار بگیرد و در مراجع مربوطه پاسخ‌گو باشد. محسنی‌اژه‌ای در عین حال گفت که گاهی اوقات درباره یک موضوع اختلاف برداشت وجود دارد و ممکن است یک قاضی نظری داشته باشد که با نظر قاضی دیگری تفاوت داشته باشد که این مسئله را نمی‌توان خلاف شرع تبیین دانست.
رئیس قوه قضائیه تداوم اجرای قانون ماده ۴۷۷ با شرایط رسیدگی بلند مدت و پیچیده فعلی را غیر قابل قبول دانست.

نیکزاد:

وضعیت بودجه ناخوشایند است

● مهر: علی نیکزاد، نایب‌رئیس مجلس گفت: رئیس پیشین سازمان برنامه‌بودجه که سه وعده‌های مختلف بیش از ۳۷ هزار میلیارد تومان منابع مالی را خلاف ردیف‌های بودجه‌ای پرداخت کرده و به نوعی دولت سیزدهم را بدهکار کرده است. نیکزاد کسری بودجه ۵۰ هزار میلیارد تومانی دولت را در شرایط کنونی یادآور شد و ادامه داد: کشور در شرایط خاصی قرار گرفته، به‌طوری‌که در تأمین نیازمندی و اقلام مورد نیاز باید به سرعت تأمین اعتبار به دور از نگاه به ارز چهارهزارزرو ۲۰۰ تومانی به انجام برسد. وی در بخش دیگری از سخنان خود اظهار کرد: وضعیت اسفناکی را در منابع بودجه‌ای شاهد هستیم و چالش اصلی دولت تأمین ۱۲ میلیارد دلار برای واردات کالاهای اساسی است که سه میلیارد دلار آن ویژه کندم و دارو است و مابقی به تأمین سایر مایحتاج مردم مرتبط می‌شود. نیکزاد تصریح کرد: در این اوضاع و احوال کسری ۵۰ هزار میلیارد تومانی بودجه دولت نیز بر دامنه مشکلات افزوده و از طرفی منابعی برای پرداخت بارانه‌ها اعم از بارانه‌های هدفمندسازی منابع انرژی و معیشتی وجود ندارد.